



فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۶، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹، صفحات ۱۱۴-۹۵

مقاله پژوهشی

امین قنبری

دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت دولتی دانشگاه تهران

طیبه عباسی^۱

استادیار مدیریت دولتی دانشگاه تهران

مجتبی امیری

دانشیار مدیریت دولتی دانشگاه تهران

(98/7/30 - 98/12/5)

چکیده

یکی از اهداف قوانین نحوه پذیرش دانشجو در ایران، تحقق عدالت می‌باشد. در همین راستا، پژوهش حاضر با هدف ارزشیابی قوانین نحوه پذیرش دانشجو از جهت عدالت به انجام رسید. برای رسیدن به این هدف، روش پژوهش ترکیبی بکار گرفته شد، بدین صورت که پژوهش با روش کیفی آغاز شد و با روش کمی ادامه یافت. بخش کیفی پژوهش با هدف اکتشاف شاخص‌های عدالت که بتوان با آن‌ها قوانین نحوه پذیرش دانشجو را ارزشیابی نمود، صورت گرفت. در بخش کمی نیز، هدف پژوهش، توصیف دیدگاه‌های دانشجویان در مورد میزان تحقق شاخص‌های عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو بود. ابزار گردآوری داده در این بخش، پرسشنامه و استراتژی پژوهش، پیمایش بوده است. داده‌های گردآوری شده به وسیله پرسشنامه با آمار توصیفی و آزمون‌های آماری مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج بدست آمده حاکی از این است که از دیدگاه دانشجویان، عدالت کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو محقق می‌شود.

واژگان کلیدی: ارزشیابی، قوانین، نحوه پذیرش دانشجو، عدالت.

مقدمه

امروزه نظام آموزش عالی از آن جهت که تأثیر بسزایی در تمامی ابعاد توسعه (سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) دارد، از جمله مهمترین مسائل هر کشور محسوب می‌شود (قلی پور و وثوقی‌نیری، ۱۳۹۳) تا آنجا که تجزیه و تحلیل عوامل مؤثر بر رشد و توسعه جوامع (اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه)، نشان می‌دهد که کارآمد و اثربخش بودن نظام آموزشی هر کشور، باعث رشد و توسعه فراگیر و همه‌جانبه آن کشور خواهد شد (میرکمالی و نارنجی تنی، ۲۰۱۱). بنابراین هرکشوری باید برای آموزش عالی خود اهمیت ویژه‌ای قائل باشد. یکی از بخش‌های مهم هر سیستم آموزش عالی، بخش ورودی آن است که از بخش‌های مهم آن، پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها می‌باشد. اگر در این مرحله، پذیرش به درستی صورت نگیرد، ممکن است عملکرد کل سیستم مختل شود. بنابراین لازم است هر کشور به تناسب شرایط خود برای ورود به نظام آموزش عالی از نظام پذیرشی مناسبی برخوردار باشد؛ نظام پذیرشی که در راستای اهداف آموزش عالی کشور باشد (مجتهدی، ۱۳۷۲). بررسی روند تغییر و تحولات شیوه پذیرش دانشجو در ایران نشان می‌دهد که قوانین پذیرش دانشجو همواره دستخوش تغییر و تحول بوده اما همیشه سعی بر آن بوده که در راستای خط‌مشی‌های کلان و شرایط کشور، ضوابط گزینش دانشجو بهبود یابند (جمالی و باقی‌یزدل، ۱۳۹۵). در ایران به خاطر کثرت متقاضیان ورود به دانشگاه، قوانین نحوه پذیرش دانشجو از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشند چرا که عده زیادی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین محدودیت ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها، بیکاری دانش‌آموختگان، فرار مغزها و غیره باعث شده است که موضوع گزینش شایسته‌ترین افراد از میان داوطلبان ورود به دانشگاه بیش از پیش اهمیت یابد (باقری‌خواه، عارفی و جمالی، ۱۳۹۰). یکی از موضوعات مهمی که در قوانین نحوه پذیرش دانشجو باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع عدالت می‌باشد (پراخاف و یادکویچ، ۲۰۱۹)؛ چرا که از جمله اهداف اصلی هر نظام آموزشی، میانجی‌گری میان زمینه‌های خانوادگی و ویژگی‌های ذاتی افراد (مثل جنسیت، نژاد، قومیت و غیره) و موفقیت‌های فردی و نتایجی که تعیین‌کننده فرصت‌های زندگی است، می‌باشد. به عبارت دیگر، یکی از اهداف هر نظام آموزشی از بین بردن نابرابری‌ها یا همان برقراری عدالت است (سباغ و رش، ۲۰۱۶؛ پراخاف و همکاران، ۲۰۱۹). متأسفانه این مسئله در مورد قوانین نحوه پذیرش دانشجو در ایران جای بررسی دارد چرا که داوطلبان از برخی قوانین پذیرش دانشجو راضی نمی‌باشند (باقری‌خواه و همکاران، ۱۳۹۰) و انتقادات زیادی نسبت به این قوانین از جهت عدالت، در جامعه مطرح می‌شود. چراکه هر ساله عده بسیار زیادی تحت تأثیر این قوانین قرار

می‌گیرند و چه بسا سرنوشت زندگی آن‌ها توسط همین قوانین جهت داده می‌شود و در صورتی که این قوانین عادلانه نباشند نابرابری‌های بسیاری نه فقط در حوزه آموزش عالی بلکه در سایر حوزه‌ها نیز رخ خواهد داد (ترهان، ۲۰۱۰). بنابراین لازم است که بررسی گردد که قوانین نحوه پذیرش دانشجویان از جهت عدالت در چه وضعیتی می‌باشند. اما از آن جا که در کشور ما، (به طور کلی) دانش خط‌مشی‌گذاری آن‌طور که بایسته است مورد توجه قرار نمی‌گیرد و (به طور خاص) نگاه درستی بر آموزش عالی حاکم نیست، این قوانین نیز با وجود اهمیت زیاد، هنوز مورد بررسی قرار نگرفته‌اند که آیا به یکی از اهداف اصلی و مهم خود یعنی عدالت دست پیدا کرده‌اند یا خیر؟ بنابراین در این مطالعه، قوانین نحوه پذیرش دانشجویان از لحاظ دستیابی به یکی از اهداف خود که عدالت می‌باشد مورد بررسی قرار می‌گیرند. اساساً یکی از مواردی که به بهبود خط‌مشی‌ها و قوانین کمک می‌کند و فرایند خط‌مشی‌گذاری را دائماً اصلاح می‌کند، ارزشیابی خط‌مشی می‌باشد. در واقع ارزشیابی خط‌مشی به ما کمک می‌کند تا آگاه شویم که چقدر اهداف مورد انتظار از آن خط‌مشی و قانون تحقق یافته است (الوانی و شریف زاده، ۱۳۹۶: ۱۰۹). با این حال در کشور ما کمتر به موضوع ارزشیابی خط‌مشی‌ها و قوانین پرداخته می‌شود (واعظی، شریف زاده و محمدی، ۱۳۹۴) تا جایی که هنوز هیچ خط‌مشی‌ای در ایران به طور کامل و همه جانبه مورد ارزشیابی قرار نگرفته است (قلی پور، ۱۳۹۵: ۲۰۱) و همین امر (به عنوان یکی از دلایل) باعث شده است که اکثر خط‌مشی‌ها در کشور ما، در دستیابی به اهداف مورد انتظار، ناموفق و شکست خورده باشند. بنابراین هدف اصلی این مطالعه، ارزشیابی قوانین فعلی نحوه پذیرش دانشجویان در مقطع کارشناسی (قوانینی که در حال حاضر برای پذیرش دانشجویان در مقطع کارشناسی اجرا می‌شوند) از جهت عدالت می‌باشد تا مشخص شود که آیا قوانینی که برای تحقق عدالت تدوین شده‌اند، در عمل موفقیت آمیز بوده‌اند یا باعث نهادینه و قانونی شدن بی‌عدالتی شده‌اند. به عبارت دیگر، در این پژوهش عدالت آموزشی مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای رسیدن به هدف اصلی پژوهش، ابتدا شاخص‌هایی از عدالت که بتوان با آن‌ها قوانین نحوه پذیرش دانشجویان را ارزشیابی نمود تدوین می‌گردند و سپس از منظر ذی‌نفعان، میزان تحقق آن شاخص‌ها در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر اساس همین اهداف، سؤالات پژوهش، متشکل از یک سؤال اصلی و دو سؤال فرعی می‌باشند. سؤال اصلی پژوهش عبارت است از: «وضعیت قوانین نحوه پذیرش دانشجویان از جهت تحقق عدالت چگونه است؟». دو سؤال فرعی پژوهش نیز عبارتند از: «شاخص‌های عدالت برای ارزشیابی قوانین نحوه پذیرش دانشجویان چه می‌باشند؟» و «از منظر ذی‌نفعان، چقدر شاخص‌های عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان محقق شده‌اند؟». در این پژوهش ابتدا با خبرگان حوزه پذیرش دانشجویان مصاحبه‌هایی

صورت می‌گیرد تا شاخص‌هایی از عدالت که بتوان با آن‌ها قوانین نحوه پذیرش دانشجو را ارزشیابی نمود اکتشاف گردند. سپس نظرات گروهی دیگر از خبرگان در مورد روایی این شاخص‌های گردآوری شده، اخذ می‌گردد. در نهایت هم، دیدگاه‌های دانشجویان در مورد میزانی که شاخص‌های عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو محقق شده‌اند، جمع‌آوری می‌شود.

مبانی نظری

ارزشیابی خطمشی^۲

یکی از مراحل فرایند یا چرخه خطمشی، ارزشیابی خطمشی می‌باشد که پس از اجرای خطمشی‌ها به بررسی آن‌ها می‌پردازد. ارزشیابی خطمشی به صورت‌های گوناگونی تعریف شده است؛ دای (۲۰۱۳: ۳۹) ارزشیابی خطمشی را یادگیری در مورد پیامدهای خطمشی تعریف کرده است؛ کیرنی (۲۰۱۲: ۳۹) ارزشیابی خطمشی را اندازه‌گیری میزان موفقیت یک خطمشی می‌داند؛ ناشمیاس در تعریفی اثبات‌گرایانه، آن را «بررسی عینی، نظام‌مند و تجربی آثار جاری خطمشی‌ها و برنامه‌های عمومی بر گروه‌های مورد نظر در قالب هدف‌هایی که منظورشان دستیابی به آن‌هاست» تعریف کرده است (هاولت، رامش و پرل، ۱۳۹۵: ۳۱۸)؛ ویس نیز ارزشیابی نظام‌مند عملیات یا ره‌آوردهای یک خطمشی بر مبنای مجموعه استانداردهایی را به عنوان تعریف ارزشیابی خطمشی ارائه داده است (اسمیت و لاریمر، ۲۰۰۹: ۱۳۲)؛ و در نهایت باندی (۲۰۱۸) ارزشیابی خطمشی را به مثابه اندازه‌گیری یک خطمشی با توجه به اثربخشی، کارایی و تناسب با اهداف آن تعریف کرده است. فارغ از تعاریفی که برای ارزشیابی خطمشی بیان شده است، دو نوع ارزشیابی خطمشی وجود دارد: ارزشیابی خطمشی فرایندی و ره‌آوردی^۳. در ارزشیابی خطمشی فرایندی، فرایند و شیوه اجرای خطمشی بررسی می‌شوند اما در ارزشیابی خطمشی ره‌آوردی، به بررسی نتایج و ره‌آوردهای خطمشی پرداخته می‌شود (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۹: ۱۳۵). به هر حال، در صورتی که ارزشیابی خطمشی به موقع و درست صورت گیرد، می‌تواند به خطمشی‌گذاران و اجراکنندگان در اصلاح خطاها و دستیابی به خطمشی‌های منطقی کمک شایانی نماید (پارامونووا و تولاندر، ۲۰۱۶: ۴).

2 - Policy Evaluation

3 - Process and Outcome

4 - Paramonova and Thollander

عدالت

عدالت یک مفهوم فلسفی و فرارشته‌ای است به طوری که یک سازمان یا رشته‌ای خاص عهده دار عدالت نمی‌باشد (باراک، ۲۰۱۵). واژه عدالت از لحاظ مفهومی بسیار گسترده است و همین باعث شده است که بنیان مفهومی آن مبهم (کلی) و مورد مشاجره باقی بماند و تا زمانی که چنین باشد افراد و گروه‌ها فضای کافی برای طراحی و اجرای سیاست‌ها زیر چتر بزرگ عدالت در اختیار خواهند داشت (وانگ، ۲۰۱۵). یکی از حوزه‌های عدالت که مربوط به این پژوهش می‌شود، آموزش می‌باشد که به عدالت آموزشی نیز مشهور است و تأثیر بسزایی در عدالت در حوزه‌های دیگر دارد (ترهان، ۲۰۱۰). بررسی عدالت آموزشی در قوانین نحوه پذیرش دانشجو به دو صورت می‌تواند انجام گیرد: یکی از جهت نتایج و دیگری از جهت رویه‌ها و فرایند (نیسن، مایر و تندیرو، ۲۰۱۷). مورد اول با عنوان عدالت توزیعی^۵ شناخته می‌شود مورد دوم با عنوان عدالت رویه‌ای^۶. به طور خلاصه می‌توان گفت که عدالت توزیعی به انصاف ادراک شده از نتایج مربوط می‌شود در حالی که عدالت رویه‌ای به انصاف ادراک شده از فرایندها و ابزارهای مورد استفاده در تعیین نتایج اشاره دارد (کانو، ۲۰۰۳؛ ندیری و تونووا، ۲۰۱۰). نکته‌ای که در پایان ادبیات پژوهش لازم است گفته شود این است که در این پژوهش، ارزشیابی خط‌مشی از نوع فرایندی (در مقابل ارزشیابی خط‌مشی ره‌آوردی) می‌باشد و صرفاً به فرایند پذیرش که متشکل از قوانین و نحوه اجرا است پرداخته می‌شود. در همین راستا (ارزشیابی فرایندی)، منظور از عدالت نیز (از میان عدالت رویه‌ای و توزیعی)، عدالت رویه‌ای می‌باشد که ناظر بر قوانین، رویه‌ها و فرایند اجرای آن‌ها است. بنابراین در این پژوهش، ادراک دانشجویان از میزان عدالت در قوانین، رویه‌ها و فرایند اجرای آن‌ها در نحوه پذیرش دانشجو مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، قوانین، رویه‌ها و فرایند اجرای آن‌ها در نحوه پذیرش دانشجو از جهت عدالت رویه‌ای مورد ارزشیابی قرار می‌گیرند.

پیشینه پژوهش

به طور کلی، باید گفت که پژوهشی که مستقیماً مسئله عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو در ایران را بررسی کرده باشد وجود ندارد. با این وجود در این قسمت، پژوهش‌هایی که تا حدودی مرتبط با موضوع این پژوهش هستند، مرور می‌شوند. باقری خواه و همکاران (۱۳۹۰) در

5 - Distributive Justice

6 - Procedural Justice

پژوهشی با نام «وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیأت علمی و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی» دیدگاه این سه جامعه را در رابطه با شیوه‌ها و قوانین فعلی نحوه پذیرش دانشجو (شیوه آزمون متمرکز، آزمون فراگیر، معدل کتبی، نمره علمی، سهمیه‌ها و جنسیت) توصیف کرده‌اند. مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش، پژوهشی با نام «بررسی پیامدهای بومی‌گزینی در سال ۱۳۸۷» در سال ۱۳۸۸ انجام داده است. در این پژوهش، پیامدهای طرح بومی‌گزینی براساس نظرات رؤسای دانشگاه‌های کشور، رؤسای حراست دانشگاه‌های کشور و داوطلبان برتر آزمون سراسری بررسی شده است و در مجموع این پیامدها را در عناوین جنبه‌های سیاسی، اجتماعی، روانی، اقتصادی، فرهنگی، مذهبی، علمی (آموزشی) و جسمی مورد بررسی قرار داده شده است. دانایی فرد و تراب زاده جهرمی (۱۳۹۴) پژوهشی با نام «تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خط‌مشی‌های آموزشی جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد ارزیابی نظریه برنامه» با هدف تحلیل انسجام نظریه عدالت بین دو بسته خط‌مشی‌های اداره مدارس دولتی و غیردولتی انجام دادند. آنها ضمن اکتشاف عناصر ماهوی مفهوم عدالت (مساوات، نیاز، تلاش، اعطاء حق، توازن، بی‌طرفی و زمینه) و بررسی آن‌ها در خط‌مشی‌های اداره مدارس دولتی و غیردولتی به این نتیجه رسیدند که خط‌مشی‌های مدارس دولتی و غیردولتی در همه این عناصر دارای تعارض می‌باشند.

روش پژوهش

این پژوهش از روش پژوهش ترکیبی بهره برده است. به این صورت که پژوهش با هدف اکتشاف شاخص‌هایی از عدالت که بتوان با آن‌ها قوانین نحوه پذیرش دانشجو را ارزشیابی نمود با روش کیفی آغاز شد سپس با هدف توصیف دیدگاه‌های ذی‌نفعان در مورد تحقق شاخص‌های عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو به صورت کمی ادامه یافت. در بخش کیفی، از طریق مصاحبه با ۱۵ خبره (که به صورت نمونه‌گیری گلوله‌برفی انتخاب شدند) داده‌هایی گردآوری شد. با وجود اینکه در مصاحبه دهم اشباع نظری حاصل شده بود اما مصاحبه‌ها تا ۱۵ مصاحبه ادامه یافتند. داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با روش تحلیل مضمون^۷ تحلیل شدند. بر اساس نتایج این تحلیل که شامل ۲۰ کد تفسیری بود، پرسشنامه‌ای تهیه شد و برای روایی سنجی در اختیار ۱۰ خبره داده شد. داده‌های این پرسشنامه به وسیله روش دلفی فازی مورد تحلیل قرار گرفتند. تحلیل دلفی فازی باعث شد که دو مورد از کدهای تفسیری حذف گردند. سپس پرسشنامه‌ای

دیگر در قالب طیف لیکرت تهیه شد و به ۳۹۱ دانشجوی مقطع کارشناسی^۸ (به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای طبقه‌ای از استان‌های تهران، قم، مرکزی، کرمانشاه، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی بر اساس جنسیت انتخاب شدند) داده شد (جدول شماره یک). در انتخاب استان‌ها تلاش شد که استان‌ها، هم از استان‌های محروم و هم از استان‌های غیرمحروم انتخاب شوند؛ همچنین سعی بر این بود که از استان‌هایی که دارای قومیت‌ها و مذهب‌های گوناگون هستند نیز در پژوهش مشارکت داشته باشند. پایایی این پرسشنامه محقق ساخته به وسیله روش ضریب آلفای کرونباخ اندازه‌گیری شد که برابر با ۰/۸۱ بود. داده‌های گردآوری شده به وسیله این پرسشنامه، از طریق آمار توصیفی (میانگین) و آمار استنباطی (آزمون‌های میانگین یک جامعه، مقایسه میانگین دو جامعه و مقایسه میانگین چندجامعه) مورد تحلیل قرار گرفتند.

جدول ۱ - اطلاعات جامعه شناختی دانشجویان

نام استان (نام دانشگاه)	آقا	خانم	نامعلوم	مجموع
تهران (دانشگاه‌های تهران، علوم پزشکی تهران، علامه طباطبایی و خواجه نصیر)	۸۴	۸۹	۱	۱۷۴
مرکزی (دانشگاه‌های اراک و علوم پزشکی اراک)	۲۳	۳۱	۰	۵۴
کرمانشاه (دانشگاه رازی)	۳۵	۲۵	۱	۶۱
آذربایجان شرقی (دانشگاه تبریز)	۱۸	۱۰	۱	۲۹
آذربایجان غربی (دانشگاه علوم پزشکی ارومیه)	۱۸	۱۳	۰	۳۱
قم (دانشگاه قم)	۲۷	۱۵	۰	۴۲
مجموع	۲۰۵	۱۸۳	۳	۳۹۱

۸ - همانطور که در مقدمه پژوهش ذکر شد در این پژوهش فقط شیوه پذیرش دانشجویان در بدو ورود به دانشگاه (یعنی مقطع کارشناسی) مورد بررسی قرار می‌گیرد. پذیرش دانشجویان در این مقطع صرفاً توسط سازمان سنجش آموزش کشور و از طریق آزمون سراسری (و در برخی رشته‌ها از طریق سوابق تحصیلی) صورت می‌گیرد و قوانین پذیرش برای همه گروه‌های آزمایشی (علوم انسانی، ریاضی، علوم تجربی، هنر و زبان‌های خارجی) یکسان می‌باشد. اما در مقاطع بعدی بین شیوه پذیرش دانشجویان پزشکی و غیرپزشکی تفاوت وجود دارد به این صورت که پذیرش دانشجویان پزشکی توسط مرکز سنجش آموزش پزشکی و براساس قوانین خود صورت می‌گیرد ولی در گروه‌های غیرپزشکی، پذیرش توسط سازمان سنجش آموزش کشور صورت می‌گیرد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانطور که گفته شد این پژوهش با بخش کیفی شروع شد و با بخش کمی ادامه یافت. در بخش کیفی برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. در تحلیل مضمون، پژوهشگر با سه چیز از سه چیز سروکار دارد که عبارتند از: کدهای توصیفی^۹، کدهای تفسیری^{۱۰} و مضامین فراگیر^{۱۱} (براون و کلارک، ۲۰۰۶). پس از انجام تحلیل مضمون، ۵۳ کد توصیفی بدست آمد که پس از دسته‌بندی آن‌ها ۲۰ کد تفسیری حاصل شد. در نهایت پس از بررسی تمام کدها، مضمون فراگیری که با همه‌ی کدها در ارتباط بود عدالت رویه‌ای بود. بنابراین، می‌توان گفت که با انجام تحلیل مضمون، در مجموع ۲۰ شاخص برای عدالت که بتوان به وسیله آن‌ها، قوانین نحوه پذیرش دانشجو را از جهت عدالت ارزشیابی نمود، حاصل شد. این ۲۰ عبارتند از: شفافیت در رویه‌ها و فرایند- میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی- انعکاس دیدگاه‌های معلمین سراسر کشور در طراحی سؤالات- جامع بودن سنجش- رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام‌های آموزش و پرورش (نظام قدیم و جدید)- دسترسی و نزدیکی همه داوطلبان به محل آزمون- شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های برگزاری آزمون- ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور- اطلاع‌رسانی به موقع و درست به تمام داوطلبان در مناطق مختلف کشور- پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان- توجه به افراد کم توان- فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (جنسیتی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی)- دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور- توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق- عدم تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان- مشارکت ذی‌نفعان در فرایند پذیرش- رضایت ذی‌نفعان- ایمن بودن کنکور (امنیت کنکور)- ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه- توزیع مناسب افراد در رشته‌ها و دانشگاه‌ها. پس از مشخص شدن نتایج تحلیل مضمون، پرسشنامه‌ای برای روایی سنجی شاخص‌ها، تهیه به ۱۰ خبره داده شد. داده‌های این پرسشنامه‌ها با روش دلفی‌فازی مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج این تحلیل در جدول ۲ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲ - نتایج تحلیل دلفی‌فازی

شماره	شاخص	حدپایین	حدوسط	حدبالا	وزن‌نهایی
۱	شفافیت در رویه‌ها و فرایند	۱	۶/۸	۹	۵/۶

9.- Descriptive Cods

10.- Interpretative Cods

11.- Overarching Themes

۵/۴۷	۹	۶/۴	۱	میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی	۲
۶/۶	۹	۷/۸	۳	انعکاس دیدگاه‌های معلمان سراسر کشور در طراحی سؤالات	۳
۶/۶۷	۹	۸	۳	جامع بودن سنجش	۴
۵/۲	۹	۵/۶	۱	رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام های آموزش و پرورش (نظام قدیم و جدید)	۵
۵/۰۷	۹	۵/۲	۱	دسترسی و نزدیکی همه داوطلبان به محل آزمون	۶
۵/۳	۹	۵/۸۹	۱	شرایط مناسب و یکسان حوزه های برگزاری آزمون	۷
۵/۶	۹	۶/۸	۱	ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور	۸
۵/۴۷	۹	۶/۴	۱	اطلاع رسانی به موقع و درست به تمام داوطلبان در مناطق مختلف کشور	۹
۵/۲	۹	۵/۶	۱	پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان	۱۰
۵/۲۷	۹	۵/۸	۱	توجه به افراد کم توان	۱۱
۵/۶۷	۹	۷	۱	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (جنسیتی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی)	۱۲
۶/۴	۹	۷/۲	۳	دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه های کشور	۱۳
۶/۴	۹	۷/۲	۳	توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق	۱۴
۶/۲۵	۹	۶/۷۵	۳	عدم تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان	۱۵
۶/۰۴	۹	۶/۱۱	۳	مشارکت ذی‌نفعان در فرایند پذیرش	۱۶
۵/۱۵	۹	۵/۴۴	۱	رضایت ذی‌نفعان	۱۷
۵/۶	۹	۶/۸	۱	ایمن بودن کنکور (امنیت کنکور)	۱۸
۶/۲۶	۹	۶/۷۸	۳	ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه	۱۹
۵/۷۸	۹	۷/۳۳	۱	توزیع مناسب افراد در رشته‌ها و دانشگاه‌ها	۲۰

از آنجا که در این پژوهش، حد آستانه $5/2^{12}$ در نظر گرفته شد، دو شاخص که وزن نهایی آن‌ها کمتر از $5/2$ بود حذف گشتند. این دو شاخص عبارت بودند از: دسترسی و نزدیکی همه داوطلبان به محل آزمون (با وزن نهایی $5/07$) و رضایت ذی‌نفعان (با وزن نهایی $5/15$). سپس بر اساس ۱۸ شاخص باقیمانده، پرسشنامه‌ای تهیه و به دانشجویان دختر و پسر که از دانشگاه‌های ۶ استان تهران، مرکزی، قم، کرمانشاه، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی انتخاب شده بودند، داده شد تا دیدگاه‌های آنان در رابطه با میزان تحقق شاخص‌های عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو اخذ گردد. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در مورد هر شاخص در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳ - میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در مورد شاخص‌های عدالت

شماره	شاخص	میانگین دیدگاه دانشجویان
۱	شفافیت در رویه‌ها و فرایند	۲/۴
۲	میزان و نحوه تأثیر سوابق تحصیلی	۲/۲۲
۳	انعکاس دیدگاه‌های معلمان سراسر کشور در طراحی سؤالات	۲/۴۴
۴	جامع بودن سنجش	۲/۲۲
۵	رعایت حقوق داوطلبان با توجه به تغییر نظام‌های آموزش و پرورش (نظام قدیم و جدید)	۲/۲۴
۶	شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های برگزاری آزمون	۲/۳۳
۷	ارائه مشاوره لازم و یکسان به همه داوطلبان کشور	۲/۴۵
۸	اطلاع‌رسانی به موقع و درست به تمام داوطلبان در مناطق مختلف کشور	۳/۳۲
۹	پاسخگویی یکسان به همه داوطلبان	۲/۲۸
۱۰	توجه به افراد کم‌توان	۲/۶۷
۱۱	فرصت برابر برای ورود به دانشگاه برای همه داوطلبان (جنسیتی، مذهبی، قومیتی و اجتماعی)	۲/۶۸
۱-۱۱	برابری جنسیتی	۲/۹۵
۲-۱۱	برابری دینی و مذهبی	۲/۷۵
۳-۱۱	برابری قومیتی	۳/۳۱
۴-۱۱	برابری اجتماعی	۱/۷۶
۱۲	دسترسی برابر افراد در انتخاب دانشگاه‌های کشور	۲/۴۱
۱۳	توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق	۲/۴۴
۱۴	تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان ^{۱۳}	۲/۲۲
۱-۱۴	تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در موفقیت آنان در کنکور	۱/۹۵
۲-۱۴	تأثیر شرکت در کلاس‌های کنکوری و داشتن معلم خصوصی در موفقیت داوطلبان	۲/۴۹
۱۵	مشارکت ذی‌نفعان در فرایند پذیرش	۲/۶۹
۱۶	ایمن بودن کنکور (امنیت کنکور)	۳
۱۷	ارائه فرصت‌های متعدد به داوطلبین برای ورود به دانشگاه	۲/۴۳
۱۸	توزیع مناسب افراد در رشته‌ها و دانشگاه‌ها	۲/۲۸

اما برای بررسی دیدگاه‌های دانشجویان در مورد میزان تحقق عدالت (به صورت کلی) در قوانین نحوه پذیرش دانشجو، آزمون میانگین یک جامعه بکار گرفته شد. نتایج اجرای آزمون میانگین یک جامعه (دانشجویان) در مورد میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو

۱۳ - از آنجا که این شاخص و دو زیر شاخص مربوط به آن، ماهیت منفی دارند به صورت عکس تحلیل می‌شوند.

در جدول‌های شماره چهار و پنج آمده است. با توجه به اینکه سطح معنی‌داری برابر با صفر است، می‌توان گفت که اختلاف معنی‌داری میان میانگین نظرات دانشجویان و مقدار آزمون (عدد ۳) وجود دارد، همچنین از آنجا که حد پایین و بالای فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای میانگین متغیر عدالت، منفی می‌باشند، میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در مورد میزان عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو کمتر از عدد ۳ است (۲/۴۸). بنابراین، طبق نظر دانشجویان، عدالت کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو محقق شده است.

جدول ۴ - نتیجه آزمون مقایسه میانگین یک جامعه (دانشجویان)

One-Sample Statistics

	N	Mean	Std. Deviation	Std. Error Mean
Justice	391	2.4853	.45436	.02298

جدول ۵ - نتیجه آزمون مقایسه میانگین یک جامعه (دانشجویان)

One-Sample Test

	Test Value = 3					
	T	Df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
Justice	-22.397	390	.000	-.51465	-.5598	-.4695

برای مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان دختر و پسر در رابطه با میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو از آزمون مقایسه میانگین دو جامعه استفاده شد. طبق ستاده‌های این آزمون، در آزمون تساوی دو میانگین، سطح معنی‌داری برابر است با ۰/۱۳ و از پنج درصد بیشتر است. بنابراین می‌توان گفت که میان میانگین دیدگاه‌های دانشجویان دختر و دانشجویان پسر در مورد میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان خانم برابر با ۲/۴۵ است درحالی‌که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان آقا برابر با ۲/۵۲ می‌باشد. اما همانطور که قبلاً ذکر شد، در این پژوهش دیدگاه‌های دانشجویان شش استان بررسی شد. برای مقایسه دیدگاه‌های دانشجویان استان مختلف در مورد میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو از آزمون مقایسه میانگین چند جامعه (تحلیل واریانس) مورد استفاده قرار گرفت. طبق ستاده‌های بدست‌آمده از اجرای این آزمون، با توجه به اینکه سطح معنی‌داری برابر است با ۰/۴۹۷ می‌توان گفت که اختلاف معنی‌داری میان نظرات دانشجویان

استان‌های مختلف وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت که دانشجویان استان‌های مختلف دیدگاه یکسانی نسبت به میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو دارند. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان استان‌های تهران، مرکزی، قم، کرمانشاه، آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی به ترتیب (از راست به چپ) عبارت‌اند از: ۲/۵، ۲/۴۳، ۲/۵۲، ۲/۵۱، ۲/۵۲ و ۲/۳۴.

بحث

در هر جامعه‌ای قوانین زیادی وضع می‌شود. یکی از اهداف اصلی این قوانین تحقق مفاهیمی همچون عدالت، برابری و انصاف در جامعه می‌باشد تا کسی در جامعه، احساس پایمال شدن حق خود نداشته باشد (پورعزت، ۱۳۹۶: ۴۱۳). اما متأسفانه شاهد این هستیم که همین قوانینی که برای تحقق عدالت آمده‌اند خود باعث می‌شوند که بی‌عدالتی در جامعه نهادینه شود و به صورت قانونی درآید (فو و همکاران، ۲۰۱۵). بنابراین لازم است همه قوانین از این جهت که آیا باعث تحقق عدالت در جامعه می‌شوند یا اینکه بی‌عدالتی را در جامعه به صورت قانونی و نهادینه می‌نمایند مورد بررسی قرار گیرند. یکی از قوانینی که هر ساله صدها هزار نفر را به صورت مستقیم و میلیون‌ها نفر را به صورت غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد، قوانین نحوه پذیرش دانشجو می‌باشد. بنابراین لازم است که بررسی شود که آیا این قوانین باعث عدالت شده‌اند یا خیر. شاید از آنجا که در این سال‌ها، برای ورود به دانشگاه، افراد رقابت شدیدی با هم دارند و دائم به این قوانین توجه می‌نمایند اهمیت این قوانین بیشتر شود و بررسی عدالت در این قوانین دوچندان اهمیت یابد. این پژوهش به بررسی این مسأله پرداخته است و میزان عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو را ارزشیابی نموده است. نکته برجسته در یافته‌ها این است که طبق دیدگاه دانشجویان، اکثر شاخص‌های عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو در وضعیت نامناسبی قرار دارند. نتایج بدست‌آمده از تجزیه و تحلیل‌های آماری نشان می‌دهند که تنها در سه مورد دیدگاه دانشجویان بر این است که متغیرهای مورد نظر به نحو مطلوبی (بیش از حد متوسط (عدد ۳)) در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌شوند. این سه مورد عبارتند از: به‌موقع و مناسب بودن اطلاع‌رسانی‌های سازمان سنجش، برابری داوطلبان از جهت قومیتی و امنیت کنکور. در مورد به‌موقع و مناسب بودن اطلاع‌رسانی‌های سازمان سنجش، میانگین دیدگاه دانشجویان ۳/۳۲ است که این نشان از این است که اطلاع‌رسانی‌های سازمان سنجش در حد مطلوبی انجام می‌گردند. در بحث برابری داوطلبان از جهت قومیتی باید گفت که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۳/۳۱ می‌باشد که این حاکی از این است که برابری قومیتی در حد خوبی در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌گردد. دیدگاه دانشجویان در مورد امنیت کنکور این

است که این امر مهم در حد متوسط رعایت می‌شود چراکه میانگین دیدگاه آنان ۳ بود. بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که امنیت کنکور در حد خوبی صورت می‌گیرد. دیدگاه دانشجویان در مورد ۲۱ شاخص این است که شاخص‌های مورد نظر کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌شوند. به عبارت دیگر متغیرهای مورد نظر در قوانین نحوه پذیرش دانشجو در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. اولین این موارد، شفافیت در فرایندها و رویه‌های پذیرش دانشجو می‌باشد که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۲/۴ است بدین معنی در فرایندها و رویه‌های پذیرش دانشجو، شفافیت کمتر از حد متوسط است. شاید یکی از دلایل این مطلب، این باشد که قوانین نحوه پذیرش دانشجو به صورت پراکنده بیان شده‌اند و بعضاً امتیازاتی وجود دارد که داوطلبین از آن‌ها خبر ندارند. همچنین پیچیدگی محاسبه ترازها و نحوه محاسبه سهمیه‌ها در اینکه دانشجویان قائل به شفافیت کم در شیوه پذیرش دانشجو می‌باشند، بی‌تأثیر نمی‌باشند. در مورد لحاظ کردن سوابق تحصیلی، میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۲/۲۲ است که این نشان از این است که لحاظ کردن سوابق تحصیلی که برای برطرف کردن مشکلات کنکور آمده بود، از دیدگاه دانشجویان خیلی نتوانسته است که باعث عدالت شود^{۱۴}. یکی دیگر از شاخص‌های عدالت، بحث تکثیرگرایی در طراحی سوالات آزمون سراسری (تأثیرگذاری دیدگاه‌های معلمان سراسر در طراحی سوالات کنکور) بود. در این رابطه میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۲/۴۴ می‌باشد. به عبارت دیگر، از دیدگاه دانشجویان سوالات آزمون سراسری بیشتر به صورت متمرکز طراحی می‌شوند. شاخص سنجیدن توانایی‌ها، شایستگی‌ها و هوش داوطلبین یکی دیگر از شاخص‌های عدالت بود که بنا بر دیدگاه‌های دانشجویان در کنکور سراسری کمتر از حد مطلوب رعایت می‌گردد؛ میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در این رابطه، ۲/۲۲ می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که طبق نظر دانشجویان، آزمون سراسری براساس طبقه‌بندی تجدیدنظر شده بلوم از اهداف شناختی، بیشتر، سطوح پایین‌تر را می‌سنجد. طبقه بندی تجدید نظر شده بلوم شامل شش سطح بود که از پایین به بالا عبارتند از: به یاد آوردن، فهمیدن، به کار بستن، تحلیل کردن، ارزیابی کردن و آفریدن (ذوالفقارنسب، محمدی و حاتمی، ۱۳۹۶). با توجه به تغییر نظام آموزش و پرورش (از ۱-۳-۳-۵ به ۳-۳-۶)، رعایت حقوق داوطلبان نظام آموزشی قدیم و جدید لازم می‌باشد. با این وجود، نظر دانشجویان بر این است که حقوق این داوطلبان کمتر از حد متوسط رعایت می‌گردد؛ میانگین دیدگاه‌های آن‌ها ۲/۲۴ می‌باشد. از آنجا که آزمون سراسری در استان‌ها و حوزه‌های

۱۴ - در برخی شاخص‌ها که بین خبرگان (در مصاحبه‌ها) اختلاف نظر بود، در پرسشنامه‌ها از اصل آن‌ها سؤال پرسیده شد که چقدر باعث عدالت می‌شوند نه اینکه چقدر در قوانین محقق شده‌اند. این موارد عبارتند از: لحاظ کردن سوابق تحصیلی، اختصاص سهمیه، بومی‌گزینی (مربوط به دسترسی برابر افراد به دانشگاه‌های کشور)، مشارکت ذی‌نفعان در فرایند پذیرش (متمرکز یا غیر متمرکز بودن پذیرش) و فرصت‌های ارائه شده برای ورود به دانشگاه.

مختلفی برگزار می‌گردد، شرایط مناسب و یکسان حوزه‌های مختلف برگزاری آزمون ضروری است. در این رابطه باید گفت که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۲/۳۳ می‌باشد که این بدین معنی است که طبق دیدگاه آن‌ها شرایط حوزه‌های مختلف برگزاری آزمون یکسان نیست و برخی حوزه‌ها از شرایط مناسب برخوردار نمی‌باشند. میزان راهنمایی‌ها و مشاوره‌های سازمان‌های دولتی در طی فرایند پذیرش نیز یکی دیگر از شاخص‌هایی است که بنا بر نظر دانشجویان در وضعیت مطلوبی قرار ندارد چراکه میانگین دیدگاه‌های آن‌ها در این خصوص ۲/۴۵ است. شاخص دیگر، پاسخگویی یکسان سازمان سنجش به تقاضاها و اعتراض‌های داوطلبان بود که دیدگاه‌های دانشجویان در این رابطه اخذ گردید. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در این باره ۲/۲۸ می‌باشد. به عبارت دیگر، میزان پاسخگویی یکسان به نظر دانشجویان، کمتر از حد متوسط محقق می‌شود. دلیل این مسئله (کم بودن میانگین دیدگاه‌های دانشجویان) می‌تواند این مطلب باشد که اساساً سازمان سنجش تنها یک شعبه و آن هم در تهران دارد. بنابراین، در عمل افرادی که با تهران فاصله زیادی دارند نمی‌توانند به طور شایسته و حضوری تقاضاها و اعتراض‌های خود را به سازمان سنجش برسانند. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در مورد میزان توجه به افراد کم‌توان (جسمی) در قوانین نحوه پذیرش دانشجو (اعم از خود قوانین و اجرای آن‌ها) ۲/۶۷ است که بیانگر این است که مطابق دیدگاه‌های دانشجویان، توجه به افراد کم‌توان، کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌گردد. یکی از سیاست‌های بحث برانگیزی که حدود یک دهه است به صورت جدی‌تری دنبال می‌شود، سیاست بومی‌گزینی می‌باشد. بنابراین، این سیاست نیز می‌توانست معیاری برای ارزشیابی عدالت قرار گیرد و دیدگاه‌های دانشجویان در این باره اخذ گردد. میانگین دیدگاه‌های آنان ۲/۴۱ می‌باشد. فرصت برابر برای ورود به دانشگاه نیز از شاخص‌هایی است که به نظر دانشجویان کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌گردد. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در این مورد ۲/۶۸ می‌باشد. بنابراین دیدگاه دانشجویان این است که فرصت برابر برای ورود به دانشگاه در وضعیت مطلوبی نیست. به طور کلی برای سنجش این شاخص، چهار سؤال مطرح گردید (برابری جنسیتی، برابری دینی مذهبی، برابری قومیتی و برابری طبقات اجتماعی). در مورد برابری قومیتی، میانگین دیدگاه‌های دانشجویان بر این بود که برابری قومیتی بیش از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌گردد. اما در رابطه با سه مورد دیگر، دیدگاه آنان این است که کمتر از حد متوسط محقق می‌شوند. در مورد برابری جنسیتی داوطلبان برای ورود به دانشگاه، میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۲/۹۵ می‌باشد؛ در رابطه با برابری دینی - مذهبی داوطلبان برای ورود به دانشگاه نیز میانگین دیدگاه‌های آنان کمتر از حد متوسط و برابر با ۲/۷۵ است؛ و مورد آخر که از بحث‌های

مهم عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجو است و در حال حاضر هم توجه بسیار زیادی را به خود جلب کرده است، بحث اختصاص سهمیه یا امتیاز به برخی طبقه‌های اجتماعی می‌باشد؛ طبق دیدگاه دانشجویان، اختصاص سهمیه یا امتیاز به برخی گروه‌های اجتماعی کمتر از حد متوسط باعث عدالت می‌شود چراکه میانگین دیدگاه‌های آنان، ۱/۷۶ است؛ بنابراین برابری طبقات اجتماعی در حد کمی در قوانین نحوه پذیرش دانشجو رعایت می‌شود. نکته‌ای که در اینجا مناسب است گفته شود این است که میانگینی که این مورد (برابری اجتماعی) به خود اختصاص داده است کمتر از همه شاخص‌های دیگر می‌باشد. شاخص توجه به امکانات و محرومیت‌های مناطق مختلف یکی دیگر از شاخص‌هایی بود که برای ارزشیابی قوانین نحوه پذیرش دانشجو از جهت عدالت مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که مناطق مختلف کشور از لحاظ امکانات در سطح یکسانی نمی‌باشند و این شرایط باعث می‌شود که داوطلبین مناطق برخوردار از شانس بیشتری برای پذیرش در رشته‌ها و دانشگاه‌های پرطرفدار برخوردار باشند بررسی این شاخص لازم و مناسب بود. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در این رابطه ۲/۴۴ می‌باشد. این میانگین گویای این مطلب است که از نظر دانشجویان، قوانین نحوه پذیرش دانشجو توجه زیادی به مسئله امکانات و محرومیت‌های مناطق نکرده است. بنابراین می‌توان گفت که صرف اختصاص سهمیه مناطق، باعث نمی‌شود که مشکلات آن‌ها برای یک رقابت برابر برطرف گردد و آن‌ها احساس توجه جدی مسئولین به این مشکل نمایند. دانشجویان همچنین تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان را در وضعیت نامطلوب می‌دانند. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان برای این مورد، ۲/۲۲ می‌باشد که این یعنی اینکه وضعیت اقتصادی داوطلبان، بیش از حد متوسط در سنجش آنان تأثیرگذار است^{۱۵}. دیدگاه دانشجویان در مورد هر دو سؤالی که برای سنجش این شاخص (میزان تأثیر وضعیت اقتصادی داوطلبان در سنجش آنان) مطرح شده بود نیز منفی می‌باشد. میانگین‌های دیدگاه‌های آنان برای میزان تأثیر وضعیت اقتصادی افراد در موفقیت آنان در کنکور، ۱/۹۵ و برای تأثیر شرکت در کلاس‌های کنکوری و داشتن معلم خصوصی در موفقیت آنان در کنکور نیز ۲/۴۹ است. شاخص پذیرش به صورت متمرکز (پذیرش توسط سازمان سنجش)، مورد دیگری بود که دیدگاه دانشجویان در این رابطه سنجیده شد. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در این باره ۲/۶۹ می‌باشد که حاکی از این است که دانشجویان بر این دیدگاهند که پذیرش متمرکز، کمتر از حد متوسط باعث عدالت می‌شود. یکی دیگر از مسائل کنکور این است که تنها یک‌بار در سال برگزار می‌شود و همین باعث استرس زیاد و مشکلاتی دیگر برای

۱۵ - از آنجا که این مورد و دو مورد بعدی (تأثیر وضعیت اقتصادی افراد در موفقیت آنان در کنکور و تأثیر شرکت در کلاس‌های کنکوری و داشتن معلم خصوصی در موفقیت آنان در کنکور) جنبه منفی داشتند به صورت عکس تحلیل می‌شوند.

داوطلبین می‌گردد. میانگین دیدگاه دانشجویان در این باره، ۲/۴۳ است. به عبارت دیگر طبق دیدگاه آنان فرصت‌های ارائه شده برای ورود به دانشگاه کمتر از حد متوسط، کافی و مناسب می‌باشند. در نهایت، شاخص میزان درست و مناسب بودن ظرفیت رشته‌ها و دانشگاه‌ها می‌باشد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و میانگین دیدگاه‌های دانشجویان در این رابطه ۲/۲۸ می‌باشد که این حاکی از این است که به نظر آن‌ها ظرفیت رشته‌ها و دانشگاه‌ها به میزان کمی به صورت درست تعیین می‌گردند. در مورد عدالت که متغیر اصلی این پژوهش و مرکب از تمام شاخص‌هایی که بحث شدند می‌باشد، باید گفت که میانگین دیدگاه‌های دانشجویان ۲/۴۸ است که مبین این است که از نظر دانشجویان عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان کمتر از حد متوسط می‌باشد. به عبارت دیگر، عدالت که یکی از هدف‌های اصلی هر قانونی است در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان در وضعیت خوبی قرار ندارد. در رابطه با تأثیر جنسیت و استان بر نظرات دانشجویان در مورد میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان، میانگین‌های نظرات آن‌ها گویای این است که این دو متغیر بر دیدگاه‌های آنان تأثیر قابل توجهی ندارند. به عبارت دیگر دانشجویان پسر و دختر، هر دو تقریباً نظرات مشابهی در مورد میزان تحقق عدالت در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان دارند. میانگین دیدگاه‌های دانشجویان پسر، ۲/۵۲ و میانگین دیدگاه‌های دانشجویان دختر، ۲/۴۵ می‌باشد. همچنین دیدگاه‌های دانشجویان استان‌های تهران، قم، مرکزی، کرمانشاه، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی تقریباً مشابه هستند و اختلاف معنی‌داری باهم ندارند. میانگین‌های دیدگاه‌های آنان به ترتیب ۲/۵، ۲/۵۲، ۲/۴۳، ۲/۵۱، ۲/۳۴ و ۲/۵۲ می‌باشند. در پایان لازم است گفته شود که از آنجا که هدف اساسی ارزشیابی خط‌مشی و قوانین، اصلاح و بهبود خط‌مشی و قوانین است، نتایج این پژوهش می‌تواند اطلاعات خوبی از دیدگاه‌های دانشجویان (ذی‌نفع اصلی مسئله پذیرش دانشجویان) نسبت به قوانین پذیرش دانشجویان و نحوه اجرای آن‌ها در اختیار خط‌مشی‌گذار قرار دهد تا با بهره‌گیری از آن‌ها نسبت به بهبود قوانین و نحوه اجرای آن‌ها اقدام نمایند.

توصیه‌های سیاستی

یکی از اهداف مهم قوانین نحوه پذیرش دانشجویان، تحقق عدالت میان داوطلبین ورود به دانشگاه می‌باشد (پراخاف و همکاران، ۲۰۱۹). اما نتایج این پژوهش نشان داد که قوانین نحوه پذیرش دانشجویان در ایران در نیل به این هدف بزرگ ناکام مانده‌اند، به گونه‌ای که دانشجویان (با همان داوطلبان دیروز) که ذی‌نفع اصلی در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان می‌باشند بر این باور بودند که عدالت کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجویان محقق می‌گردد. بنابراین

لازم است که تغییراتی در نحوه قانون‌گذاری و قوانین نحوه پذیرش دانشجو ایجاد گردد تا این هدف بزرگ از قوانین به‌گونه‌ای محقق گردد که داوطلبان ادراک عادلانه بودن از آن‌ها داشته باشند. بنابراین: ۱- اولین پیشنهاد این پژوهش، در رابطه با تعدد قانون‌گذار در حوزه آموزش عالی و پذیرش دانشجو می‌باشد. در حال حاضر قوانین نحوه پذیرش دانشجو توسط دو مرجع، تصویب می‌شوند؛ شورای عالی انقلاب فرهنگی و مجلس شورای اسلامی و هیچ مرزبندی و تقسیم وظایفی هم بین آن‌ها وجود ندارد که بعضاً باعث می‌شود قوانین و مصوبه‌های ضد و نقیض تصویب کنند و انسجام خط‌مشی را از بین ببرند. به عنوان نمونه می‌توان به قانون بومی‌گزینی اشاره نمود. در سال ۱۳۸۷ مجلس مصوبه‌ای داشت که به موجب آن پذیرش داوطلبان غیربومی در رشته‌های پرطرفدار دانشگاه‌های مادر افزایش می‌یافت. این مصوبه مجلس مجلس درحالی بود که تنها چندماه قبل از آن، شورای عالی انقلاب فرهنگی با مصوبه‌ای که داشت در صدد بود تا پذیرش دانشجوی غیربومی را کمتر کند. بنابراین یکی از آسیب‌های جدی در این حوزه تعدد قانون‌گذار می‌باشد و لازم است که به سمت داشتن مرجع واحد برای قانون‌گذاری در این حوزه پیش رویم. ۲- دخالت قانون‌گذار در جزئی‌ترین مسائل آموزش عالی و پذیرش دانشجو: از آن‌جا که مجلس شورای اسلامی و شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان دو نهاد خط‌مشی‌گذار در حوزه پذیرش دانشجو مطرح هستند، بهتر است فقط در مسائل کلان آموزش عالی و پذیرش دانشجو وارد شوند نه اینکه در ریزترین مسائل (مانند درصد پذیرش به صورت بومی‌گزینی) هم دخالت کنند. ۳- متخصص بودن قانون‌گذار: یکی از آسیب‌های قوانین نحوه پذیرش دانشجو این است که این قوانین بعضاً توسط افرادی غیر متخصص تصویب می‌شوند. با وجود اینکه این قوانین ابتدا توسط گروه‌ها و کمیسیون‌های متخصص بررسی می‌شوند ولی این نمایندگان مجلس هستند که حرف آخر را می‌زنند و از آنجا که نمایندگان به صورت عمده در این حوزه تخصص ندارند قانون‌گذاری در این حوزه را با خطراتی (از جمله بی‌عدالتی) روبه‌رو می‌کند. بنابراین لازم است که قانون‌گذاری توسط یک گروه متخصص صورت گیرد. ۴- ساماندهی سهمیه‌های پذیرش دانشجو: همان‌طور که نتایج این پژوهش نشان داد، طبق دیدگاه دانشجویان، کمترین شاخص عدالت که در قوانین نحوه پذیرش دانشجو محقق می‌گردد، برابری اجتماعی است چراکه اختصاص سهمیه‌های بسیار به برخی گروه‌ها باعث نابرابری‌های فراوانی در رقابت برای ورود به دانشگاه شده است. بنابراین لازم است که در مسئله سهمیه‌های کنکور، تجدید نظر اساسی گردد چراکه اختصاص یک سهمیه به یک گروه به معنی این است که فرصت برابر (دسترسی برابر) برای ورود به دانشگاه از بین رود. ۵- یکی دیگر از آسیب‌های حوزه پذیرش دانشجو، پراکندگی و تعدد قوانین نحوه پذیرش دانشجو می‌باشد که این، موجبات تضاد

و تعارض و عدم شفافیت قوانین را فراهم می‌آورد. بنابراین بهتر است همه‌ی آن‌ها در یک قانون کلی گردآوری شوند. ۶- اولین مرحله در خط‌گذاری، شناخت مسئله است. اگر مسئله به درستی شناخته نشود، راه‌حلی که برای آن ارائه می‌شود نه تنها مسئله و مشکل را حل نمی‌کند، بلکه مسئله و مشکلی دیگری نیز به آن می‌افزاید. به عنوان نمونه، در سال ۱۳۸۶ با هدف برطرف کردن مسائل و مشکلات کنکور، قانون جایگزینی تدریجی آن با سوابق تحصیلی تصویب شد. اما از آنجا که مسئله کنکور به درستی شناخته نشده بود، و راه‌حل نادرستی برای آن مطرح گردید، در حال حاضر خود سوابق تحصیلی یکی از مسائل و مشکلات پذیرش دانشجو گردیده است و باعث شده است که آموزش و پرورش با پدیده تورم معدل روبه‌رو گردد. شاید بتوان گفت مسائل و مشکلات کنکور ریشه در فرهنگ مدرک‌گرایی، آموزش و پرورش ضعیف و ... دارند و تا این مسائل و مشکلات حل نشوند مسائل و مشکلات کنکور تقریباً پابرجا می‌مانند. ۷- یکی از عواملی که باعث می‌شود پاسخگویی سازمان سنجش به تقاضاها و اعتراض‌های داوطلبان در مناطق مختلف کشور بیشتر شود، تأسیس واحدهایی در مراکز استان‌ها می‌باشد. در حال حاضر سازمان سنجش تنها یک شعبه و آن هم در تهران می‌باشد. بنابراین با توجه به حجم انبوه داوطلبان، مسلماً سازمان سنجش نمی‌تواند به صورت مناسب پاسخگوی داوطلبان باشد. ۸- پذیرش به صورت متمرکز (به صورت فعلی توسط سازمان سنجش از طریق کنکور سراسری) دارای پیامدهای منفی و مثبتی می‌باشد. از پیامدهای منفی آن می‌توان به فشارها و آسیب‌های جسمی و روانی به داوطلبان؛ رشد بسیار زیاد مؤسسه‌های کنکوری و افزایش تأثیر آنان در ورود داوطلبین به دانشگاه به گونه‌ای که داوطلبین چنین تصور می‌کنند که موفقیت در کنکور تنها از طریق ثبت‌نام در چنین مؤسساتی امکان‌پذیر است، فعالیت این مؤسسه‌ها محدود به سال کنکور نمانده بلکه به بهانه کنکور حتی به دوره‌های متوسطه اول (راهنمایی قدیم) هم کشیده شده است؛ اثرات مخرب بر نظام آموزشی کشور و دور شدن از فلسفه آموزش و پرورش و پرداختن به آموزش تکنیک‌های تست‌زنی؛ عدم سنجش توانایی‌ها، شایستگی‌ها و مهارت‌های داوطلبان و صرفاً سنجیدن حفظیات و مهارت در تست‌زنی. در مقابل این پیامدهای منفی، کم‌هزینه بودن و سریع بودن چنین سبک پذیرشی و دشوار بودن سایر شیوه‌ها با توجه به جمعیت بسیار زیاد داوطلبین، یکسان بودن آن برای همه و عدم سوگیری و غرض‌ورزی در پذیرش داوطلبین از جمله پیامدهای مثبت چنین سبک پذیرشی می‌باشد. فارغ از همه این پیامدها در انتها باید گفت همانطور که ذات خط‌مشی گذاری این چنین است که منافعی برای برخی گروه‌ها دارد، گزینش دانشجو چه به شیوه فعلی و چه به شیوه‌ای دیگر، هر کدام برای برخی گروه‌ها منافعی دارد اما

با این وجود نباید فراموش کرد که خط‌مشی‌گذاری زمانی عادلانه است که فارغ از این منافع و صرفاً دیدن منفعت عمومی مردم صورت گیرد.

منابع

- ۱- الوانی، سید مهدی؛ شریف زاده، فتاح. (۱۳۹۶). فرایند خط‌مشی‌گذاری عمومی (ویرایش دوم). تهران: دانشگاه علامه طباطبائی
- ۲- باقری‌خواه، زهرا؛ عارفی، محبوبه و جمالی، احسان. (۱۳۹۰). وضعیت پذیرش دانشجو در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران، اعضای هیأت علمی سازمان سنجش و مسئولان ذی‌ربط آموزش عالی. اندازه‌گیری تربیتی، ۲(۶)، ۱۱۱-۱۳۶.
- ۳- پورعزت، علی‌اصغر. (۱۳۹۶). مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی). تهران: سمت.
- ۴- جمالی، احسان؛ باقی یزدل، رقیه. (۱۳۹۵). چالش‌های بومی‌گزینی در آزمون سراسری آموزش عالی ایران. آموزش عالی ایران، ۲۸(۲)، ۱-۳۰.
- ۵- دانایی‌فرد، حسن و تراب زاده جهرمی، محمد صادق. (۱۳۹۶). تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خط‌مشی‌های جمهوری اسلامی ایران؛ رویکرد ارزیابی نظریه برنامه. اندیشه راهبردی، ۱۱(۱)، ۱۰۸-۷۳.
- ۶- ذوالفقارنسب، سلیمان؛ محمدی، رضا و حاتمی، جواد. (۱۳۹۶). رده‌بندی شناختی سؤالات بر اساس الگوی توان- پیچیدگی مطالعه موردی: سؤالات آزمون آزمایشی حساب دیفرانسیل. پژوهش در نظام‌های آموزشی، ۱۱(۳۹)، ۹۴-۴۷.
- ۷- قلی‌پور، رحمت‌اله. (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری سازمانی و خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: سمت.
- ۸- قلی‌پور، رحمت‌اله؛ وثوقی‌نیری، عبدالله. (۱۳۹۳). تحلیل سیاست پژوهانه قانون سنجش و پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور. مطالعات منابع انسانی، ۳(۱۱)، ۱۲۸-۱۰۳.
- ۹- مجتهدی، زهرا. (۱۳۷۲). بررسی رابطه بین شیوه فعلی پذیرش دانشجو و موفقیت در دانشگاه: پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه‌طباطبائی
- ۱۰- مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی سازمان سنجش آموزش کشور. (۱۳۸۸). بررسی پیامدهای بومی‌گزینی دانشجو در سال ۱۳۸۷.
- ۱۱- واعظی، رضا؛ شریف‌زاده، فتاح و محمدی، محسن. (۱۳۹۴). شناسایی و اولویت‌بندی الگوهای ارزیابی خط‌مشی عمومی. علوم مدیریت ایران، ۱۰(۴۰)، ۲۱-۱.
- ۱۲- هاولت، مایکل؛ رامش، ام؛ پرل، آنتونی. (۱۳۹۵). مطالعه خط‌مشی عمومی: چرخه‌های خط‌مشی و زیرنظام‌های خط‌مشی. ترجمه عباس منوریان و ابراهیم گلشن. تهران: کتاب‌مهربان.
- 13- Braun, V. and Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3 (2), 77-101
- 14- Bundi, Pirmin. (2018). Parliamentarians' strategies for policy evaluations. *Evaluation and Program Planning*, (69), 130-138.
- 15- Cairney, Paul. (2012). *Understanding Public Policy: Theories and Issues*. Palgrave macmillan.
- 16- Dye, Thomas R. (2013). *Understanding Public Policy*. (14th ed). Englewood Cliffs, NJ: Prentice-Hall.
- 17- Fu, Mengzhu, J. Exeter, Daniel and Anderson, Aneka. (2015). The politics of relative deprivation: A transdisciplinary social justice perspective. *Social Science & Medicine*, Volume 133, 223-232.
- 18- Konow, James. (2003). Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories. *Economic Literature*, 41(4), 1188-1239.

- 19- M. Niessen, A. Susan, Meijer, Rob R. and Tendeiro, Jorge N.(2017). Applying organizational justice theory to admission into higher education: Admission from a student perspective. *Selection and assessment*, 25(1),72-84.
- 20- Mirkamali, Seyed Mohammad and Narenji Thani, Fatemeh.(2011). A Study on the Quality of Work Life (QWL) among faculty members of University of Tehran(UT) and Sharif university of Technology (SUT). *Social and Behavioral Sciences*, Volume 29, 179 – 187.
- 21- Nadiri , Halil and Tanova , Cem. (2010). An investigation of the role of justice in turnover intentions, job satisfaction, and organizational citizenship behavior in hospitality industry. *Hospitality Management* ,29 (1) , 33-41.
- 22- Paramonova, Svetlana and Thollander, Patrik.(2016). Ex-post impact and process evaluation of the Swedish energy audit policy programme for small and medium-sized enterprises. *Cleaner Production*, Volume 135, 932-949.
- 23- Prakhov, Ilya and Yudkevich, Maria.(2019). University admission in Russia: Do the wealthier benefit from standardized exams?. *Educational Development*, Volume 65, 98–105
- 24- Sabbagh, Clara and Resh, Nura. (2016). Unfolding Justice Research in the Realm of Education. *Social Justice Research*, Volume 29, 1–13.
- 25- Smith, K. B. and Larimer, C.W.(2009). *The Public Policy Theory Primer*. Boulder, CO: Westview Press.
- 26- Tarhan, Muhammed. (2010). Social justice leadership: implications for roles and responsibilities of school administrators. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, Volume 9, 1357-1361.
- 27-Wang, Fei.(2015)."Conceptualizing social justice: interviews with principals". *Educational Administration*, 53(5), 667 – 681.